

توان عملیاتی نیروهای مسلح باید تقویت شود

صفحه ۲

وطن امروز

سراب‌سازی برجام منجر به رکود شد

صفحه ۲

تیتراهای امروز

واکنش جواد ظریف به سخنان وزیر خارجه آمریکا درباره برجام موشکی و تروریسم

اظهارات کری بی‌اساس است



صفحه ۲

آیا پروژه پل شیخ حمید به شرم‌الشیخ سلمان را هم آرزو به دل خواهد گذاشت؟

دروازه صلح

عربستان و اسرائیل

دولت مصر واگذاری جزایر صنایع و تیران را به عربستان رسماً تأیید کرد

صفحه ۱۵

آیا در سال ۹۵ هم شاهد ورود محصولات دستکاری شده به کشور خواهیم بود؟

«ترار یخته»

در ایران ریخته!

صفحه ۴

سوخت در جهان ارزان شد، در ایران گران می‌شود

سناریوهای افزایش نرخ بنزین

صفحه ۳

نگاه

پدعدهی ذاتی دولت آمریکا به شهادت تاریخ معاصر ایران از تاریخ پیام‌وریم

سعید ملکی

در گرماگرم مذاکرات هسته‌ای آنچه به کرات از سوی نتخبران و طیف‌های مختلف جامعه و حتی مردم عادی از مذاکره‌کنندگان ایرانی خواسته می‌شده، همزمانی انجام تعهدات ایران و رفع تحریم‌ها بوده امری که دولت روحانی معتقد است بدان دست یافته‌(!) با همه این احوال آنچه در عمل شاهد آنیم واقعیتی غیر از این ادعاست. اگرچه ایران طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به همه توافقات خود و حتی بالاتر از تعهدات، عمل کرده اما وقتی از برداشته شدن تحریم‌ها سخن به میان می‌آید، تأکید می‌شود پیشرفت در این زمینه «زمانبر» است! همچنان که «باراک اوباما» رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بازگشت ایران به اقتصاد جهانی را نیازمند زمان می‌داند. زمانبر بودن رفع تحریم‌ها، توجیحی است بر کارشناسی‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی، امری که امروز نیز برخی دولتی‌ها خود آن را می‌پذیرند. به‌طوری که «عراقچی» دیپلمات ارشد کشور ما - اگرچه با کمی تأخیر - در گفت‌وگو تلویزیونی اخیر خود تویحاً به آن اشاره کرد. اظهارات اوباما در زمینه زمان‌بر بودن رفع تحریم‌ها، شاهد مثالی بود بر بیانات حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای: «امروز در سرتاسر کشورهای غربی و کسانی که تحت تأثیر آنها هستند، همچنان معاملات بانکی ما دچار مشکل است، بازگرداندن ثروت‌های ما در بانک‌های آنها دچار مشکل است، معاملات گوناگون تجاری‌ای که احتیاج به دخالت بانک‌ها دارد دچار مشکل است؛ وقتی دنبال می‌کنیم، تحقیق می‌کنیم و می‌گوییم چرا این‌جور است، معلوم می‌شود از آمریکایی‌ها می‌ترسند. آمریکایی‌ها گفته‌اند ما تحریم‌ها را برمی‌داریم و روی کاغذ هم برداشتمند اما از طرف دیگر جسوری عمل می‌کنند که اثر رفع تحریم‌ها مطلقاً به‌وجود نیاید و تحقق پیدا نکند»^(۱)

رهبر بزرگوار انقلاب در جریان مذاکرات دیپلمات‌های ایرانی با غرب با محوریت آمریکا بارها بر این نکته تأکید کرده بودند که اگرچه با مذاکره با غرب در زمینه مناقشات هسته‌ای مخالف نیستند اما به طرف مقابل و به طور خاص ایالات متحده آمریکا هیچ‌گونه اعتمادی ندارند. این در حالی بود که در همان زمان بسیاری نگاهی بیش از حد خوشبینانه به مساله مذاکره داشتند. ادامه در صفحه ۵



گفت‌وگوی حسین‌ق‌دیانی با ابراهیم حاتمی‌کیا درباره شهید سیدمرتضی آوینی

سربازم

آقا مرتضی فرماتده بود

بوی آشنا از مدافعان حرم می‌آید

مطمئن بودم مدیحه‌سرایی

آقا مرتضی در این میدان گل می‌کرد

عکس ابراهیم حاتمی‌کیا و وطن امروز

حیات‌دنیوی‌شان داشتید تفاوت کرده؟ سوال سختی است! من خودم را «سرباز» می‌دانم و نه بیشتر. او فرماندهی بود که نقشه می‌کشید و ما به عنوان سربازان وفادار نقشه‌های ایشان را عملی می‌کردیم. مقدمات این کار در مستندسازی برای «روایت فتح» کلید خورد و بعد از جنگ، به «سینمای داستانی» کشیده شد. حالا اگر از من بپرسید که «اگر همین امروز و همین الان با آقا مرتضی روبه‌رو شوی، چکار می‌کنی؟» حس می‌کنم که همچنان باید روی همان کالک عملیاتی قدم بزنم و پیش بروم، چه اینکه در همه این سال‌ها روی این کالک عملیاتی قدم زده‌ام و پیش رفته‌ام. ■ نسبت خودتان با شهید آوینی را گفتید و گفتید که این نسبت در گذر زمان تغییری نکرده. حالا دوست دارم بدانم از نظر جناب‌عالی، شهید آوینی چه نسبتی با انقلاب اسلامی داشت؟ یا توجه به عبارت «نقشه و کالک عملیاتی» که گفتید، نیز با توجه به اسم و البته رسم فیلم در حال اکران‌تان، آیا می‌توانیم ایشان را از «مخالفان انقلاب اسلامی» بنامیم؟ گفتن «مخالف» برای اشخاصی همچون آقامرتضی کم است. نسبت ایشان با انقلاب، نسبت فرزند است با پدر. نه فرزند می‌تواند پدر را انکار کند و نه پدر چنین حقی دارد. هر دو یکی شده‌اند و از یک جوهر هستند. در قانون فیلم‌نامه‌نویسی وقتی می‌خواهند شخصیت را «تعریف تصویری» کنند، می‌گویند شخصیت باید در بستر ماجرا تعریف شود. یعنی اگر ماجرا نباشد، شخصیت شکل نمی‌گیرد و البته اگر شخصیت نباشد، ماجرا نیز شکل نمی‌گیرد. یعنی این دو، درهم تنیده‌اند. حال اگر بخواهیم انقلاب اسلامی را در ساحت معنی و هنر توضیح دهیم باید به آوینی اشاره کنیم و اگر آوینی را توضیح دهیم انقلاب را توضیح داده‌ایم. ■ از جواب شما این را می‌فهمم که آدم انقلاب اسلامی با خروجی و محصول انقلاب اسلامی، در عرصه هنر، مثلاً می‌شود شهید آوینی اما این شهید، یک کل بهم پیوسته بود. من برخلاف بعضی دوستان، هرگز معتقد نیستم ما با چند آوینی طرفیم. همه این آوینی‌هایی که می‌گویند، فی‌الواقع «یکی» بود. حال اما برایم این سوال پیش آمده و شما را از جمله افراد صالح برای پرسیدن این پرسش می‌دانم که علت این همه زنده بودن و این همه حیات شهید آوینی را در چه نکته‌ای می‌بینید؟ تقریباً می‌توان گفت در وادی هنر، درباره هیچ کس اندازه آوینی بحث و جدل نمی‌شود... خوب! این بعد از گذشت ۲۳ سال از شهادت ایشان چیز عجیبی است! خیلی عجیباً

نگاه می‌کنم می‌بینم چه پیش‌بینی خوبی! و چقدر دقیق! آری مرتضای شهید! حق با تو بود! زمان، ما را با خود برده است و تو مانده‌ای! اینجا تهران است! بیست و چند سال بعد از شهادت تو! حالا دیگر همه تو را می‌شناسند و همه می‌خواهند تو را از آن خود کنند و چنان بحث درباره‌ات گرم است که گویی آن چند قطره خون ریخته‌شده بر خاک پاک فکه قرار نیست دست از جوشش بردارد! عشق است حکومت خون! عشق است آن فتح را که تو راوی بودی! آفتاب آن است که خود بنابداً آوینی بیش از ما به آمریکا می‌گفت «شیطان بزرگ!» نوشته‌هایش هست! آوینی بیش از ما به روشنفکران غرب‌زده می‌تاخت! نوشته‌هایش هست! دل او در گرو شیران بهم‌شیر بود! وقتی اراده می‌کرد فتح را روایت کند، از «شب عاشورایی» می‌گفت، از «پیران توپخانه»، از «پاکت روز چهارم»، از «قاسم و رضا» و از «علمدار»... می‌گفت: «زمان بادی است که می‌وزد، هم هست و هم نیست، آنان را که ریشه در خاک استوار دارند از توفان هراسی نیست». با خود می‌اندیشید چه حیف می‌شود اگر گفت‌وگو با ابراهیم حاتمی‌کیا، آنهم در این هوای فروردینی، مطالعه‌ی جز سیدمرتضی آوینی داشته باشد. از قبل می‌دانستم ناظر بر همان «سکوت» خیلی مایل به صحبت در این باره نیستم اما حضرت راوی را مگر می‌شود روایت نکرد؟ برای راضی کردن حاتمی‌کیا به صحبت درباره آوینی، هم این را گفتم، هم اینکه: «راستش آقا ابراهیم! خسته شدیم از حرف‌های تکراری درباره شهید آوینی... از ادعاهای تکراری... از ادعاهای تکراری... و از تکرار این جمله که آوینی مرد خوبی بود که اصلاً عصبانی نمی‌شود!» با این همه، اعتراف می‌کنم بیش از کم و کیف اصرار من، این دل تنگ خود حاتمی‌کیا بود که قفل این سکوت چند ساله را شکست. تا شما خوانندگان گرامی این مصاحبه را بخوانید، توضیحاتی لازم است. اولاً همه وقت این قرار، به «مصاحبه» نگذشت. حرف‌های بیشتری هم بود از جنس «صحبت» یا بهتر بگویم «درددل» که همان بهتر در دل من و جناب حاتمی‌کیا می‌ماند. ثانیاً دوست می‌دانم این مصاحبه نیم‌داشته باشد، با شهید آوینی شروع شود و در ادامه برسد به «آدیگار» که هر چند سوالاتی در این باره پرسیده شد و پاسخ‌هایی گرفته شد اما بنا به دلایلی این بخش از مصاحبه نیمه‌تمام ماند که آن‌شالله با یک قرار دیگر، کامل شود. با ذکر صلواتی نثار روح ملکوتی «سید شهیدان اهل قلم» می‌گفت‌وگو را می‌خوانیم. * * *

■ از نسبت امروز خودتان با شهید آوینی بگویید و اینکه آیا این نسبت با نسبتی که با ایشان در زمان

یادداشت امروز

ما برنده‌ایم

مهدی محمدی

صرف‌نظر از آنچه در دوران مذاکره رخ داده، در عمل و حین اجرا، برجام تا اینجا یک توافق خسارت‌بار بوده است. ادعاهایی که حسین مذاکره درباره برجام برای توجیه امتیازدهی‌های فراوان از سوی دولت مطرح شده بود یکی یکی یا انکار شده یا پس گرفته می‌شود. دولت در حین مذاکرات می‌گفت عمده تحریم‌های اقتصادی که برای ایران مشکل ایجاد کرده، «تحریم‌های مرتبط» با هسته‌ای است و اگر ایران بتواند به دوران ماقبل تحریم‌های هسته‌ای بازگردد، وضعیت اقتصادی آن از اساس دگرگون خواهد شد. برجام، در واقع توافقی بود که به شرط بازگشت برنامه هسته‌ای ایران به دوران پیش از ۲۰۱۰، روی کاغذ تحریم‌ها را هم به دوران ماقبل قطعنامه ۱۹۲۹ بازمی‌گرداند. اکنون برنامه هسته‌ای ایران به ماقبل ۲۰۱۰ و بلکه قبل‌تر از آن بازگشته است اما رژیم تحریم‌ها، جز تگانه‌هایی مختصر، تغییری به خود ندیده است. دولت اکنون حرف‌های جدید می‌زند. سخنان این روزهای آقای رئیس‌جمهور و برخی اعضای تیم مذاکره‌کننده‌اش عملاً به این معناست که تعلیق تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای کافی نبوده و برای آنکه گشایش‌های وعده شده محقق شود، تعلیق تحریم‌های ثانویه غیرهسته‌ای (که عمدتاً با بهانه‌های تروریستی آمریکا (که ادعا می‌شود محصول قطع روابط دوجانبه ایران و آمریکا) نیز لازم است. در واقع سخنان گفتن از برجام‌های بعدی، معنایی جز این ندارد که آمریکا مایل است در حوزه‌های دیگر نیز از ایران امتیازهایی شبیه آنچه در برنامه هسته‌ای گرفت، دریافت کند و در مقابل مصر گشت چیزی بیشتر از «وعده رفع محدودیت‌ها و گشایش اقتصادی» پیش روی ایران نگذارد. نتیجه این است که دولت آقای روحانی امتیازهای نقد می‌دهد، وعده‌های نسبی دریافت می‌کند و همچنان آماده واگذاری امتیازهای بیشتر و دریافت وعده‌های افزون‌تر است بی‌آنکه لختی تامل کند که آیا در این مسیر اساساً نفعی برای کشور وجود دارد؟

یکی دیگر از ادعاهای تیم مذاکره‌کننده حسین مذاکرات این بود که به سبب قدرتمند بودن ایران و به این دلیل که تعهدات ایران به سرعت بازگشت‌پذیر است، غرب قدرت خلف وعده نخواهد داشت و مجبور است به تعهداتش عمل کند. در واقع، هرگاه از دولت سوال می‌شد چه تضمینی وجود دارد که پس از آنکه ایران تمام تعهدات خود را انجام داد غربی‌ها انگیزه‌ای برای پایبندی به توافق نداشته باشند، جز این پاسخی وجود نداشت که ترس از اقدام متقابل ایران چاره‌ای جز عمل به تعهدات برای غرب باقی نمی‌گذارد. اکنون می‌بینیم تنها چیزی که از آن سخن گفته نمی‌شود اشارتی حتی نمی‌دهند به این موضوع است که احتمال دارد در حالی که تحریم‌ها عملاً تعلیق هم نشده، ایران در انجام تعهدات هسته‌ای‌اش تجدید نظر کند. دولت بشدت مراقب است مبادا چنین تهدیدی از گوشه‌های صادر شود و به «تیرکای آمریکایی» برخورد. اگر صریح باشیم، این امر نشان‌دهنده آن است که نه سرعت بازگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای ایران به میزانی است که ادعا می‌شود، نه مکانیسم‌های دآوری و نظارت مندرج در برجام اساساً برای ایران قابل مراجعه است. اراده سیاسی هم برای ورود به یک چالش جدید که از طریق به خطر انداختن موجودیت توافق، پایبندی آمریکا به آن را تضمین کند، وجود ندارد، چرا که دولت آقای روحانی نمی‌خواهد مدلی به نام برجام را که تازه قصد تکرار آن در حوزه‌های دیگر را هم دارد، ملوک و بدنام کند. یکی دیگر از ادعاها در دوران مذاکرات که در متن برجام نیز اشاره‌ای به آن شده، این بود که با حصول توافق هسته‌ای «یک تغییر رویکرد» اساسی در جهت‌گیری غرب نسبت به ایران حاصل شده و ایران وارد دوران جدیدی از تعامل خود با جامعه بین‌المللی خواهد شد. حدود ۴ ماه پس از اجرای توافق، تنها تغییر بین‌المللی که در رفتار قدرت‌های غربی علیه ایران می‌بینیم این است که انجام تعهدات خود را گروگان باج‌گیری بیشتر از ایران قرار داده‌اند. در واقع این باراک اوباما بود که آب پاکی را روی دست فرنگی‌ایان ایرانی ریخت و به صراحت گفت عمل به «جسم برجام» کافی نیست و...